

بررسی ازدواج مردان مهاجر افغانی با دختران ایرانی و آثار و پیامدهای اجتماعی آن بر کشور بر مبنای جغرافیای جرم و آسیب‌های اجتماعی

کیومرث یزدان‌پناه درو^۱

چکیده

در دوران اقامت طولانی مهاجران افغانی در ایران، حدود ۳۰ هزار نفر از زنان ایرانی با مردان افغانی ازدواج کردند. ازدواج زنان ایرانی با افغان‌ها نگران‌کننده است؛ به‌ویژه که ۹۸ درصد از این ازدواج‌ها با شکست همراه‌اند. غیرقانونی بودن ازدواج با اتباع غیرمجاز، مشکلات شناسنامه‌ای، تحصیلی، بهداشتی و اسکان فرزندان آنان را در پی دارد و زنان را دچار سردرگمی و آوارگی می‌کند. با توجه به اینکه اکثر افرادی که تن به چنین ازدواج‌هایی می‌دهند از طبقه ضعیف‌اند، ضروری است با برنامه‌ریزی‌های منطقی آنان را با عواقب دردسرساز بعدی آشنا کنیم. برخی از این زنان و دختران، که عمدتاً از طبقات پایین اجتماع هستند، بر اثر فریب و شیادی اتباع افغانی یا فروش از سوی پدرانشان، به ازدواج مردان افغانی درمی‌آیند. بسیاری از این ازدواج‌ها ناموفق است و اغلب از همان بدو ازدواج با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. اولین مشکلی که با ازدواج هر زن ایرانی با مرد افغانی رخ می‌نماید، از دست دادن تابعیت ایرانی این بانوان است. بسیاری از این زنان مدتی پس از ازدواج با افغانی‌ها در آن‌سوی مرزها رها می‌شوند یا شوهران آن‌ها پس از مدتی بازمی‌گردند و آن‌ها و فرزندانشان را با مشکلات عدیده روحی و روانی و اقتصادی و اجتماعی به حال خود می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها

ازدواج، بازگشت به افغانستان، مشکلات مهاجرت، مهاجران افغانی، مهاجرت.

۱. استادیار دانشکده جغرافیا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۲

مقدمه

در کشور همسایه شرقی ایران، یعنی افغانستان، علاوه بر وجود ده‌ها دلیل نابسامانی سیاسی-امنیتی-اجتماعی و سرزمینی، نبود اشتغال کافی و درآمد مناسب برای مردم این کشور، به‌ویژه جوانان افغانی، معضلی بلندمدت برای کشور ما به دنبال داشته است. در این کشور، در حال حاضر بالای ۲ میلیون بیکار مطلق وجود دارد و درصد زیادی از مشاغل در این کشور فاقد استانداردهای اولیه است. این مسئله، در کنار ناامنی و اشغال نظامی، به مهاجرت بی‌برنامه و لجام‌گسیخته بخش درخور توجهی از جوانان افغان به کشور ما طی پنجاه سال اخیر منجر شده است. بنابراین، با وجود آرامش نسبی سال‌های اخیر در افغانستان، وقتی در کشوری که کار و اشتغال مناسب نیست و مردم از ناامنی، فقر، بیکاری، مشکل مسکن، فساد اداری رنج می‌برند، چگونه می‌توان انتظار داشت که میلیون‌ها مهاجر به افغانستان بازگردند؟

پدیده ازدواج آوارگان افغان با زنان ایرانی، با توجه به اجرای برنامه بازگشت آنان از ایران به افغانستان، معضل پیچیده‌ای است که هم دولت ایران و هم مزدوجان نام‌برده را با مشکلات عدیده حقوقی-اجرائی مواجه کرده است. براساس اظهارات رسمی مقامات ایرانی، بیش از ۳۰ هزار مورد ازدواج مختلط میان آوارگان افغانی و اتباع ایرانی وجود دارد که عمدتاً بدون ثبت محضر و تشریفات قانونی بوده است. بر مبنای قوانین مدنی ایران، این‌گونه ازدواج‌ها غیرقانونی تلقی می‌شود و باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. ولی سؤال و ابهام جدی در این است که با اجرای پروسه بازگشت اجباری، مقامات مربوطه دولت ایران چه سیاست و اقدامی را در قبال این معضل در پیش خواهند گرفت؟ یا طبق کدام قانون ایران یا افغانستان این دسته از زنان ایرانی به افغانستان بازگردانده می‌شوند؟ آیا بر مبنای قانون مدنی ایران و سیاست حمایت از اتباع، خود مقامات ایران مانع بردن همسران ایرانی به افغانستان می‌شوند یا اینکه آنان به دادن اقامت دائمی به شوهران افغانی و فرزندان‌شان، که تا حال سه برابر جمعیت والدین خود شده‌اند، رضایت خواهند داد؟ [۱۰، ص ۱۲].

طبق قانون، هیچ‌گونه مجوزی برای ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی صادر نمی‌شود و دولت هیچ‌گونه تعهدی در قبال این‌گونه پیوندهای ناقص و بدون مجوز برعهده ندارد و بارها تبعات منفی این ازدواج‌ها و بی‌تکلیف ماندن فرزندان ناشی از این پیوندها و درنهایت پایان پذیرفتن مدت اقامت و سکونت این آوارگان اعلام شده است. عواملی چون عدم امنیت کافی، کمبود و گرانی زمین زراعی و سطح پایین اشتغال، کندی روند بازسازی کشور همسایه، پایین بودن رفاه اجتماعی و خدمات شهری، فقدان خدمات بهداشتی و درمانی کافی و وضعیت نامناسب سیستم آموزشی به‌منزله بخشی از مشکلات مهمی است که افغان‌ها در بازگشت به کشورشان با آن‌ها دست به‌گریبان‌اند و به ماندن در ایران ترغیب می‌شوند. در مقابل، وجود مزیت‌ها و جذابیت‌هایی چون دسترسی سریع به بازار کار و درآمد مناسب، ترک ایران را برای افغان‌ها سخت کرده است.

اختلاف فرهنگی و سنتی خانواده‌های ایرانی با افغان‌ها و بعضاً نپذیرفتن این‌گونه ازدواج‌ها از سوی عضو ایرانی، مشکلات روحی و روانی مضاعفی برای خانواده بانوی ایرانی ایجاد می‌کند [۱۷]، ص ۲]. اغلب، این بانوان را، چه با وجود همسر و چه بدون وجود آن، گرفتار آسیب‌های روحی و روانی فراوان می‌دانند و می‌گویند این زنان به دلیل ازدواج‌های غیرقانونی و نداشتن وضعیت شغلی مناسب همسر و به تبع خراب‌بودن وضع اقتصادی‌شان همواره دچار مشکلات عدیده‌ای هستند و اگر به هر عنوان شوهر این زنان آن‌ها را ترک کند، این مشکلات با وجود حضور چندین فرزند نیز چند برابر می‌شود. انواع افسردگی‌ها، کاهش اعتمادبه‌نفس، اعتیاد به مواد مخدر و الکل از جمله این آسیب‌هاست. این زنان و مردان با دو فرهنگ متفاوت ازدواج می‌کنند و زن ایرانی به‌سختی می‌تواند با فرهنگ مردسالار و قبیله‌محور افغانستان کنار بیاید. علاوه بر اینکه برخی از مسائل، مانند استعمال مواد مخدر و چندهمسری، که در ایران پدیده‌ای تقریباً غیرممکن و غیرمتعارف است، در بین فرهنگ افغان جایگاه خاصی دارد و ترغیب شده است. این تعارضات وحشتناک فرهنگی، همگی به روح و روان زن آسیب می‌رساند. افغانی‌هایی که هر روز بیش از دو دلار خرج یارانه‌هایشان برای زندگی در شهر می‌شود، دیگر به هیچ قیمتی حاضر به رفتن به شهر و دیار خود نیستند، زیرا اینجا هم کار دارند، هم زن، هم درس دارند و هم تفریح و امنیت و آسایش و... یعنی به‌اصطلاحی هم دین دارند، هم دنیا [۲۰، ص ۱].

بنابراین، در این تحقیق سعی بر آن است عواقب منفی ورود افغان‌ها به کشورمان را از نظر ازدواج آنان با دختران و پسران ایرانی و مشکلات و آسیب‌های روانی که ایجاد شده است، همچنین زمینه‌های بازگشتشان به افغانستان بررسی شود.

طرح مسئله

در این مقاله، سعی شده با طرح موضوع ذکرشده، به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که اساساً ازدواج دختران ایرانی با مردان افغانی با چه هدفی و مبتنی بر چه الزاماتی انجام می‌گیرد؟ از روی فقر و تنگدستی یا رهانیدن خانواده‌ای از بار مشکلات اقتصادی؟ ولی نتیجه ازدواج دختران ایرانی با افغان‌ها، دربه‌دوری و تولد فرزندان بی‌هویت است. زنی که بین ترک وطن و بریدن از ریشه‌های اجدادی‌اش و طلاق از شوهر خارجی و ترک فرزندان که حاصل ازدواجش شده، می‌ماند تا شاید راه سومی را انتخاب کند؛ همان راهی که سال‌هاست در حال رخ‌دادن است. زنی که قانون از او حمایت نکرده، زندگی‌اش پنهانی می‌شود و بدون آنکه جرئت به ثبت رساندن ازدواجش را داشته باشد، تولد فرزندان را شاهد می‌شود که نه هویتی دارند و نه شناسنامه‌ای [۱۴، ص ۲]. این برآورد نشان می‌دهد که علاقه باطنی و میل فطری در اکثر این ازدواج‌ها بسیار ناچیز بوده و این برآیند ما را با مفهومی به نام جغرافیای جرم و جنایت در برخی از مناطق جغرافیایی ایران درگیر می‌کند.

دامنه وسیع ازدواج زنان ایرانی با افغان‌ها و رشد روزافزون آن سبب شد تا مجلس به فکر اصلاح قانون ازدواج با اتباع بیگانه بیفتد. دختران ایرانی فقیر و بیچاره‌ای که در ازای پرداخت پول به افغانی‌ها فروخته می‌شدند تا مرد افغانی بتواند کارت اقامت بگیرد. چون افغانی‌ها نمی‌توانند در ایران رسمی ازدواج کنند، شرعی ازدواج می‌کنند. قیمتش هم بین یکصد هزار تا یک میلیون تومان است. به راحتی به محله‌های فقیرنشین می‌روند و دختر می‌خرند. به تازگی عده‌ای از اتباع خارجی با تصور اینکه با ازدواج شرعی و غیررسمی می‌توانند برای کار و اقامت در ایران پروانه بگیرند، به ازدواج غیرقانونی اقدام می‌کنند که این عمل ضمن جرم‌بودن مشکلات عدیده‌ای برای دختران و خانواده آنان به وجود می‌آورد [۱۳، ص ۱].

ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه سبب ورود سیل جمعیت خارجی به ایران و در نتیجه گسترش جمعیت کشور می‌شود. مهاجران افغانی تاکنون بیش از ۳۰ هزار ازدواج در ایران داشته‌اند که تولد هزاران فرزند بی‌هویت نیز نتیجه آن بوده است. این در حالی است که بیش از ۸۰۰ هزار نفر از افغان‌ها ادعای تابعیت ایرانی دارند که بیش از ۱۶ هزار نفر از آن‌ها پروانه اشتغال دارند و بیش از ۸۰۰ هزار فرصت شغلی در کشور را اشغال کرده‌اند. این در شرایطی است که طبق آمار سازمان زندان‌ها، ۱۳ درصد قتل‌ها در کشور از سوی افغان‌ها انجام می‌شود. این در حالی است که اگر نوع جرایم آن‌ها در گذشته به صورت فردی بوده، امروزه جرایم سازمانی و گروهی انجام می‌دهند. در چنین شرایطی است که ازدواج دختران متعلق به خانواده‌های بی‌بضاعت ایرانی با افغان‌ها شکل می‌گیرد. در افغانستان، معضل بیکاری وجود دارد. کشوری که در آنجا کار نیست و مردم از ناامنی، فقر، بیکاری، مشکل مسکن، فساد اداری رنج می‌برند، چگونه میلیون‌ها مهاجر به افغانستان بازمی‌گردند؟

دولت افغانستان و مقامات سازمان ملل متحد و کشورهای میزبان که مهاجران افغانی در آن‌ها قرار دارند باید برای بازگشت افغان‌ها به کشورشان برنامه‌ریزی دقیق‌تر و حساب‌شده‌تری داشته باشند و مشکلات اساسی آن‌ها را مانند اسکان، کار، امنیت و تحصیل در نظر بگیرند [۱۰، ص ۳].

ویژگی عمومی کشور افغانستان

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان (پشتون: افغانستان اسلامی جمهوری) کشوری در آسیای میانه، حذفاصل آسیای میانه، جنوب باختر آسیا و خاورمیانه است که پایتختش کابل نام دارد. همسایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و خاور (شرق)؛ ایران در باختر (غرب)؛ تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال؛ و چین در شمال خاوری هستند. افغانستان کشوری محاط در خشکی است، ولی در گذشته، به دلیل راه ابریشم، کاروان‌های بازرگانی فراوانی از این کشور گذر می‌کردند. همچنین، افغانستان کشوری با تاریخ و فرهنگ کهن و پربار است، که دانشمندان و شاعران گران‌قدری را به جهانیان عرضه کرده است. از منابع

طبیعی کشور می‌توان به گاز طبیعی، نفت، زغال سنگ، مس، کرومیت، پتاس (نوعی کانی شفاف به رنگ‌های سفید و سبز و خاکستری)، سولفات باریم، گوارد، سرب، روی، آهن، نمک طعام و سنگ‌های قیمتی و اورانیوم اشاره کرد [۱۸، ص ۳].

مهاجرت و پدیده مهاجران افغانی

دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به واژه مهاجر و مهاجرت وجود دارد و از زمان پیدایش حیات در کره زمین این پدیده همراه مخلوقات خداوند، به‌ویژه بشر، بوده است. اما یکی از عوامل مهم تاریخی و جغرافیایی مهاجرت جنگ‌ها و ناامنی‌های عمدتاً دست ساخت بشر بوده است. کشور افغانستان از کشورهایی است که بیش از هفت دهه درگیر انواع متعددی از ناامنی‌های درون‌زا و برون‌زا بوده است و یکی از کشورهای اصلی و مورد هدف مهاجران در طول این مدت جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگرچه برداشت‌های گوناگونی از جمعیت مهاجر افغان در ایران وجود دارد و به نظر می‌رسد دید منفی شایع‌تر باشد، مثبت‌ترین دیدگاه مربوط به طبقه متوسط فرهنگی ایرانی است که معمولاً با مهاجران هم‌دردی می‌کنند.

دولت ایران نیز، همچون بسیاری از ایرانیان، مهاجران افغان را مسئول بسیاری از جنایات و مشکلات اجتماعی، به‌خصوص در مناطق مرزی خود، قلمداد می‌کند. این دید شماتت‌بار به اندازه‌ای قوی است که افغان‌ها خود به‌صراحت اعلام می‌کنند، با اینکه همچنان انگیزه‌ای برای بازگشت به وطن ندارند، به‌خوبی می‌دانند دیگر در ایران نیز جایی ندارند. آن‌ها از ناامنی که همچنان بر افغانستان سایه افکنده است و بودجه ناکافی که برای بازسازی کشور و طرح بازگشت اختصاص داده شده گله‌مندند [۱۶، ص ۳].

نگاهی به روند روبه‌رشد ازدواج ایرانی‌ها با افغانی‌ها

- ازدواج با افغانی، چرا؟! -

پسران ایرانی که شغل مناسب و درآمد کافی ندارند و از خانواده‌های فقیر و بی‌بضاعت‌اند، تن به ازدواج با دختران افغانی می‌دهند. دو کیسه گندم و یک گاو، دیگر کار تمام است و معامله انجام شده. پدر دختر راضی است و البته دختر. خانواده پسر هم خوشحال‌اند؛ هرچند نمی‌دانند قضاوت مردم وقتی بشنوند عروسی افغانی گرفته‌اند چطور می‌شود. اما پسر مشکلی ندارد و از اینکه خرج زیادی روی دستش نمانده راضی است. او کارگر یک چاپخانه است و ۳۰۰ هزار تومان در ماه حقوق می‌گیرد. می‌گوید اگر بخواهد دختر هم‌وطنش را بگیرد، دست‌کم ۱۰ میلیون تومان خرج برمی‌دارد. ولی افغانی‌ها به یک میلیون تومان هم راضی می‌شوند؛ همان دو کیسه گندم و یک گاو. تازه او برای دختر مهریه هم تعیین نکرده و به بهای گندم و گاو او را از پدرش خریده است.

پسران ایرانی که با دختر افغان ازدواج می‌کنند، استدلال‌هایی قوی پشت تصمیمشان دارند. آن‌ها موضوع «ملیت» را پیش می‌کشند و گفته‌های آنانی را که افغانی‌ها را قابل اعتماد نمی‌دانند رد می‌کنند؛ البته این نوع، نسبت به نوع اول در دسرهای کمتری دارند. همه این‌ها شاید علت‌های خوبی برای برگزیدن زنان افغانی به همسری باشد، هرچقدر هم منطقی به نظر برسد، هنوز هم خیلی از ایرانی‌ها حاضر به ازدواج با افغانی‌ها نیستند. از طرفی، برابر قوانین کشور، یک مرد ایرانی وقتی با دختری غیرایرانی ازدواج می‌کند، هیچ‌یک از حقوق و مزایای شهروندی‌اش را از دست نمی‌دهد؛ به‌طوری‌که حتی قادر می‌شود زن و فرزندانش را نیز به راحتی به ایران بیاورد. ولی ورق بخت وقتی برمی‌گردد که یک پای معادله ازدواج دختری ایرانی و پای دیگرش مردی خارجی می‌شود [۱۲، ص ۲].

سرنوشت نامعلوم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی

برخی از این زنان و دختران، که عمدتاً از طبقات پایین اجتماع هستند، بر اثر فریب و شیادی اتباع افغانی یا فروش از سوی پدرانشان، به ازدواج مردان افغانی درمی‌آیند. اغلب این ازدواج‌ها نیز ناموفق است. این بانوان ایرانی، که عموماً به دلیل نبود آگاهی یا فقر اجتماعی-فرهنگی و مالی به ازدواج این مردان درآمده‌اند، از همان بدو ازدواج با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان می‌شوند.

نخستین مشکلی که با ازدواج هر زن ایرانی با مرد افغانی رخ می‌نماید، از دست دادن تابعیت ایرانی این بانوان است. بنا به قانون ایران، زنان ایرانی به تابعیت ایرانی خود باقی می‌مانند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد به زوجه تحمیل شود که این قانون در کشور افغانستان وجود دارد.

یکی دیگر از مشکلات این‌گونه ازدواج‌های غیرقانونی، که ثبت محضری هم نمی‌شود، عدم اعطای شناسنامه به کودکان این زوجین است که اگر هم این کودکان شناسنامه‌دار شوند، حتی اگر در ایران متولد شده باشند، تابعیت افغانی و نه ایرانی دارند؛ مگر اینکه تا هجده‌سالگی در ایران زندگی کنند و تابعیت افغانی خود را رد کنند.

این کودکان، که به دلیل نداشتن شناسنامه اجازه مدرسه رفتن هم ندارند، در صورت ترک ایران به افغانستان، توانایی بازگشت به ایران از سوی مادران خود را ندارند یا اگر هم به همراه مادر خود در ایران بمانند، به علت فقدان سرپرست و ضعف بنیة اقتصادی، باری بر دوش مادران خود هستند. در حال حاضر، برابر آمارهای مراجع رسمی کشور، عددی بالغ بر ۵۰ هزار نفر از جمعیت این خانواده‌ها را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که مدیر کل اتباع خارجی استانداری تهران از وجود ۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه، که حاصل همین ازدواج‌هاست، خبر می‌دهد [۹، ص ۲].

علاوه بر اینکه زندگی این زنان به همراه همسران افغانی‌شان در ایران، به دلیل ثابت‌نبودن

شغل همسرانشان، همواره همراه با فقر و نداری بوده است، با اخراج اتباع ساکن ایران، مشکلاتشان صدچندان شده و موقعیت این زنان را در وضعیت ابهام‌گونه‌ای قرار داده است؛ به نحوی که با ماندن در ایران و ترک شوهرانشان با انواع و اقسام مشکلات زنان بیوه مواجه می‌شوند و با رفتن به افغانستان نیز وضعیت حقوقی نامعلومی دارند. از سوی دیگر، برابر اطلاعات موجود، حدود ۶۰۰ زن ایرانی در هرات زندگی می‌کنند که متأسفانه به دلیل رسمی نبودن ازدواجشان اجازه بازگشت به ایران را ندارند. این زنان به دلیل ازدست‌دادن هویت فرهنگی خود و عدم تطابق با فرهنگ مردسالار افغانستان و همچنین به دلیل قرارگرفتن در شرایط جنگی، به‌هیچ‌وجه روحیه خوبی ندارند و روزبه‌روز آمار خودسوزی در آن‌ها افزایش می‌یابد. براساس پژوهشی، حدود ۹۰ درصد از افغان‌ها به دلیل قرارگرفتن در شرایط جنگ در معرض انواع و اقسام بیماری‌ها از قبیل سل، مالاریا و امراض پوستی هستند و این زنان هم از این امر مستثنا نیستند [۱۱، ص ۳].

با آغاز این‌گونه ازدواج‌ها، زن ایرانی هویت و تابعیت خود را از دست می‌دهد و درواقع این به معنای ازدست‌رفتن همه پشتوانه یک زن است و همین امر سبب افزایش انواع خودکشی‌ها بین این زنان شده است. ترک همسر، بدون داشتن مهارت شغلی مناسب، عموماً این زنان را جهت تأمین هزینه‌های زندگی‌شان به روسپی‌گری سوق می‌دهد. علل روی آوردن به بی بند و باری جنسی، عواملی همچون ترس از بی‌کفایتی، بی‌هویتی، اضطراب، افسردگی، مشکلات خانوادگی و فشارهای ممتد روحی است که همگی در برخی زنانی که همسر افغانی دارند یافت می‌شود [۲۰، ص ۵].

درحالی که طبق آمار سازمان زندان‌ها، ۱۳ درصد قتل‌ها در کشور به وسیله افغان‌ها انجام می‌شود و آن‌ها ۴ برابر ایرانی‌ها مجرم‌اند، زندگی این زنان ایرانی، که فقط از روی فقر و اجبار با مردان افغانی آغاز شده است، به‌شدت مورد تهدید جسمی و روحی قرار دارد [۱۹، ص ۶].

با توجه به اینکه این‌گونه افراد معمولاً بدون مجوز و به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، مشکلات بسیاری را هم برای خود و هم برای اجتماع سبب می‌شوند. بنابر گزارش‌های اخیر رئیس پلیس مهاجرت و اتباع خارجه، یک میلیون و ۳۰۲ هزار مسافر خارجی طی ۷ ماه گذشته وارد کشور شده‌اند و آنچه مهم است، حضور ۲ میلیون افغانی در آمار ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تبعه خارجی غیرمجاز در کشور، جای بس تعجب دارد که این امر باعث ایجاد مشکلات بسیاری شده است. یکی از کارهای بارزی که اتباع خارجی، به‌خصوص اتباع غیرمجاز، هنگام ورود به ایران انجام می‌دهند، درخواست ازدواج با زنان ایرانی است. این اتباع برای ازدواج با زنان ایرانی باید از دولت اجازه بگیرند، ولی چون غیرمجاز وارد ایران شده‌اند و دولت به آن‌ها اجازه نمی‌دهد، بدون مجوز ازدواج می‌کنند. این ازدواج‌ها در جایی ثبت نمی‌شود و فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها بدون شناسنامه به زندگی خود ادامه می‌دهند. بسیاری از فرزندان این افراد به دلیل نداشتن شناسنامه به مدرسه نمی‌روند و بی‌سواد بزرگ می‌شوند که در آینده هم برای خود و هم برای جامعه مشکلاتی را به‌وجود می‌آورند.

سیستم ارائه شناسنامه یا به‌طور مستقیم از سیستم خونی یا به صورت سیستم غیرمستقیم، یعنی تولد در خاک ایرانی، وی را ایرانی محسوب و به گرفتن شناسنامه ملزم می‌کند. آنچه در این سیستم مهم است این است که بسیاری از اتباع غیرقانونی وارد ایران شده و غیرقانونی هم ازدواج کرده‌اند که این امر باعث سردرگمی فرزندان برای تحصیل شده است. با توجه به اینکه افغانی‌ها در ایران زندگی می‌کنند و بسیاری از فرزندان آن‌ها بدون شناسنامه‌اند و به همین دلیل هم از رفتن به مدرسه محروم مانده‌اند و با توجه به اینکه مادر این افراد ایرانی‌اند، وقت آن رسیده که قانون اساسی برای رفع مشکلات اتباع خارجی غیرمجاز تجدید نظر داشته باشد. حضور افغانی‌ها در شهرهای بزرگی مثل تهران و مشهد باعث ایجاد بی‌کاری برای ایرانی‌ها در بسیاری از نقاط شده است. جرایم گوناگونی همچون دزدی و قتل از سوی آنان صورت می‌گیرد. نظارت نداشتن بر مهاجرت اتباع خارجی فقط به مشکلات کاری ختم نمی‌شود و همه ابعاد فرهنگی اجتماعی جامعه را دربرمی‌گیرد [۲، ص ۳].

بسیاری از مردان تبعه خارجی پس از ازدواج، به دلیل نبود کار، برای امرار معاش به کشورهای خود برمی‌گردند و همسران خود را رها می‌کنند. هم اکنون ۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه، که حاصل ازدواج این دختران با اتباع بیگانه است، در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند. همچنین، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ازدواج دختران ایرانی، به‌ویژه مهدی، با اتباع غیرایرانی مانند افغانی، عراقی و پاکستانی در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است [۱۵، ص ۲].

کارشناسان فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و مالی، ناآگاهی، سوء استفاده از احساسات خانواده‌ها و... را از دلایل اصلی این‌گونه ازدواج‌ها می‌دانند. در این زمینه، کارشناسان می‌گویند متأسفانه شرایط کنونی دست‌به‌دست هم داده تا اکنون شاهد تشدید این قبیل ازدواج‌ها در برخی شهرهای بزرگ کشور باشیم. به گفته آن‌ها براساس قانون مدنی کشور، ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی باید با اطلاع دولت باشد و در غیر این صورت، همه ازدواج‌هایی که بعد از سال ۱۳۸۰ صورت گرفته باشد، غیرقانونی محسوب می‌شود. ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی کشور ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی را به کسب اجازه مخصوص از طرف دولت موقوف کرده، به طوری که فقط به فرزندان زنان ایرانی که با مجوز رسمی با مردان خارجی ازدواج می‌کنند و در ایران متولد می‌شوند، شناسنامه داده می‌شود. براساس آخرین آمارهای ارائه‌شده، مهاجران بیش از ۳۰ هزار ازدواج در ایران داشته‌اند که تولد هزاران فرزند بی‌هویت نیز نتیجه آن بوده است. بسیاری از این ازدواج‌ها ناموفق بوده و بر اثر فریب و شیادی اتباع خارجی یا فروش دختران از سوی پدران آنان به این افراد صورت گرفته است و نتیجه آن می‌شود که این دختران مدتی پس از ازدواج در آن‌سوی مرزها رها می‌شوند یا شوهران آنان پس از مدتی به کشورشان باز می‌گردند و آن‌ها را با چند فرزند و مشکلات عدیده روحی و روانی و اقتصادی و اجتماعی به حال خود می‌گذارند [۶، ص ۳].

پناهندگان افغانی و چالش‌های بی‌پایان برگشت به وطن مادری

در ۱۰ سال گذشته (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳) بیش از ۳ میلیون مهاجر افغان از کشورهای ایران و پاکستان و سایر نقاط جهان به میهن خود برگشته‌اند. شمار زیادی از این عودت‌کننده‌ها در کنار آن‌هایی که پس از سقوط رژیم طالبان، بر اثر بروز تنش‌ها و عوامل بی‌امنیتی، مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند یا بر اثر خشکسالی‌های شدید در تعدادی از ولایات بی‌کار شده‌اند، در اردوگاه‌های مختلف بدون سرنوشت به سر می‌برند. گزارش‌های رسیده از افغانستان حاکی از آن است که شماری از افغان‌هایی که در سال‌های اخیر به وطن خود برگشته‌اند دوباره به کشورهای همسایه و کشورهای غربی پناهنده شده‌اند [۳؛ ۴، ص ۴].

خروج نیروهای خارجی؛ راه بازگشت امنیت به افغانستان

معضل حال حاضر کشور افغانستان فقدان امنیت ملی و تأمین کافی اجتماعی و از همه مهم‌تر حضور نیروهای خارجی در این کشور است. حضور نیروهای خارجی در افغانستان از موضوعاتی است که همواره از سوی محافل سیاسی و رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته، به نفع یا علیه آن موضعی اتخاذ شده، ولی در رابطه با استقرار دائمی این نیروها در کشور، کمتر نظر موافقی وجود داشته است. معضل حال حاضر کشور افغانستان فقدان امنیت ملی و تأمین کافی اجتماعی و از همه مهم‌تر حضور نیروهای خارجی در این کشور است. حضور نیروهای خارجی در افغانستان از موضوعاتی است که همواره از سوی محافل سیاسی و رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته، به نفع یا علیه آن موضعی اتخاذ شده، ولی در رابطه با استقرار دائمی این نیروها در کشور، کمتر نظر موافقی وجود داشته است. اکثر صاحب نظران و حتی توده‌های مردمی، نه تنها با حضور دائمی نیروهای خارجی موافق نیستند، که مخالف جدی حضور موقت و مداخله‌جویانه نیروهای خارجی در افغانستان بوده، بر این ادعا صحنه می‌گذارند که نفس حضور نیروهای خارجی در کشورشان مشکل‌ساز است، چه رسد به نوع عمل و اندیشه آن‌ها که بسیار تحریک‌برانگیز است و گذشته از همه این‌ها، اصولاً خارجی‌ها نه تنها تصمیم بر تأمین امنیت در افغانستان ندارند، که هم خود سعی دارند جهت توجیه حضورشان در افغانستان، کشور ناامن باشد و هم باعث می‌شود همسایه‌های افغانستان از این حضور حساس شده حداقل برای دفع توطئه غربی‌ها علیه کشورهای خودشان، وارد عمل شوند و دستی به مسائل افغانستان دراز کنند.

از ابتدای حضور نیروهای خارجی در افغانستان، همواره بیان شده که این نیروها قصد تأمین امنیت را در افغانستان ندارند. چه اینکه راه تأمین امنیت در افغانستان از مسیر نظامی و افزایش نیرو و راه‌انداختن جنگ‌های آن‌چنانی نمی‌گذرد، بل وضع را بدتر خواهد کرد. با آنکه کاملاً

مشهود و محسوس است که توجه به وضعیت اقتصادی مردم و ایجاد اشتغال و تسریع روند بازسازی و کمک به دهقانان و صنعت‌گران و ده‌ها مطلب دیگر از این نوع، راه تأمین امنیت است و عمده‌تر از همه باید دولت افغانستان تقویت شود و افغان‌ها آزاد گذاشته شوند تا به هر نحو ممکن سرنوشت خویش را تعیین کنند، اما در این مسیر نه‌تنها در گذشته اقدامی صورت نگرفته، که در آینده هم هیچ تصمیم بر حرکتی در مسیر شاهراه سازندگی همه‌جانبه افغانستان و کمک در راستای تأمین امنیت و ثبات متصور نیست.

در این صورت، علاوه بر اینکه هیچ تلاشی برای بهبودی اوضاع افغانستان نخواهد شد و به‌رغم اینکه افغان‌ها از صرف حضور و سپس نحوه عملکرد خارجی‌ها دلخور و حساس می‌شوند، کشورهای همسایه و منطقه نیز حساس شده و چه بسا پای آن‌ها هم وارد عرصه رقابت‌های منطقه‌ای شود و دست مداخله‌جویانه، آن‌ها هم با هدف مقابله با رقبای غربی خویش در داخل افغانستان، دراز کنند که مسلماً این عامل، مزید بر دیگر علت‌ها، زمینه‌های ناآرامی و بحران در افغانستان را فراهم می‌کند که اولین قربانیان این وضع مردم و کشور ما خواهند بود [۹، ص ۳].

نیروی کار ارزان

به نظر می‌رسد تا زمانی که استفاده از نیروی کار افغانی کیفیت بالاتر و هزینه کمتری به نسبت نیروی کار داخلی داشته باشد و به دلیل پرداختی پایین و دردهای کمتر با استقبال کارفرمایان روبه‌رو می‌شود، نمی‌توان به بازگشت همه افغان‌ها به کشورشان امیدوار بود. این در حالی است که از مهر امسال، استخدام نیروی کار خارجی غیرمجاز پیگرد قانونی دارد و علاوه بر برخورد با تبعه خارجی، کارفرما نیز موظف به پرداخت جریمه خواهد بود؛ جریمه‌ای پنج برابر حداقل دستمزد روزانه کارگران به ازای هر روز استخدام آن‌ها. از سوی دیگر، به مردم و کارفرمایان باید درباره آسیب‌های استفاده از اتباع افغانی غیرمجاز آگاهی داده شود؛ در صورتی که کارفرمایی به اخراج کارگر خارجی غیرمجاز و استخدام نیروی کار داخلی اقدام کند، براساس ماده ۴۹ قانون برنامه سوم توسعه تنفیذی در ماده ۱۰۳ قانون برنامه چهارم توسعه، تا پایان این برنامه از پرداخت سهم بیمه کارفرما معاف خواهد شد. انتظار می‌رود در صورت تأمین اعتبار این طرح، بیش از ۸۰ هزار تبعه خارجی غیرمجاز شناسایی و از کشور خارج شوند [۷، ص ۳].

بهبادهای اقامت افغان‌ها در ایران

اگرچه در دیدار سه‌جانبه ایران، افغانستان و کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل، دولت افغانستان به انجام اقداماتی جهت فراهم کردن زمینه‌های بازگشت مهاجران افغانی به کشورشان متعهد شده است، با توجه به مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی این کشور، هنوز انگیزه قوی برای بازگشت مهاجران به کشورشان وجود ندارد. در مقابل، آن‌ها برای ماندن در

ایران بهانه‌های زیادی دارند. در حال حاضر، عواملی چون عدم امنیت کافی، کمبود و گرانی زمین زراعی، تصرف زمین‌های کشاورزی مردم به دست چریک‌ها و مبارزان جهادی، سطح پایین اشتغال، کندی روند بازسازی کشور، وضعیت نامناسب زیرساخت‌ها و صنایع زیربنایی، پایین بودن رفاه اجتماعی و خدمات شهری، فقدان خدمات بهداشتی و درمانی کافی و وضعیت نامناسب سیستم آموزشی به‌منزله بخشی از مهم‌ترین مشکلاتی که افغان‌ها در بازگشت به کشورشان با آن‌ها دست به‌گریبان خواهند بود، آن‌ها را به ماندن در ایران ترغیب می‌کند. در مقابل، وجود مزیت‌ها و جذابیت‌هایی چون دسترسی سریع به بازار کار، درآمد مناسب، امکان تحصیل، خدمات درمانی و بهداشتی گسترده، دسترسی به امکانات زیربنایی ارزان مانند آب، برق، گاز و تلفن، شبکه و خدمات شهری مناسب، گزینش مسکن، آزادی در اجرای مراسم مذهبی، امنیت اجتماعی، عدم احساس تبعیض و استفاده از یارانه‌های دولتی توزیع شده در محصولات چون آب، نان و بنزین، ترک ایران را برای افغان‌ها سخت کرده است [۲۱، ص ۴۵].

محدودیت‌های جدید

آمارهای مستخرج در سال‌های اخیر نیز از بازگشت فقط ۸ هزار مهاجر افغان به کشورشان حکایت دارد. حال آنکه براساس برنامه از پیش اعلام‌شده، باید ۵۰۰ هزار افغانی تا پایان سال ۱۳۸۵ خاک ایران را ترک کنند (اما تا پایان سال ۱۳۹۲ چنین اتفاقی رخ نداده است). محورهای تصمیم‌گیری احتمالی دولت ایران «یجاد محدودیت‌های جدید» و حتی «عزام به یک کشور ثالث» است و از مهلتی سه‌ماهه به افغان‌ها برای بازگشت سریع به کشورشان خیر می‌دهد. پس از این مهلت، دولت محدودیت‌های جدیدی در مورد شغل و برخورداری افغان‌ها از خدمات شهری اعمال خواهد کرد [۷؛ ۸، ص ۴].

در افغانستان، حدود ۲ میلیون بی‌کار وجود دارد. وقتی در کشوری کار نیست و مردم از ناامنی، فقر، بی‌کاری، مشکل مسکن و فساد اداری رنج می‌برند، چگونه میلیون‌ها مهاجر به افغانستان بازگردند؟ ده‌ها هزار نفر هم‌اکنون در افغانستان بدون خانه‌اند. دولت افغانستان و مقامات سازمان ملل متحد و کشورهای که مهاجران افغانی در آن‌ها قرار دارند باید برای بازگشت افغان‌ها به کشورشان برنامه‌ریزی دقیق‌تر و حساب‌شده‌تر داشته باشند و مشکلات اساسی آن‌ها را مانند اسکان، کار، امنیت، تحصیل در نظر بگیرند. عودت مهاجران نباید شتاب‌زده باشد تا بحران اجتماعی به بار بیاورد. طرح بازگشت باید براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دولت افغانستان و امکانات موجود عملی شود. بر نحوه بازگشت داوطلبانه نظارت شود تا شکل اجباری به خود نگیرد. با مهاجران مطابق قوانین بین‌المللی برخورد شود. به شکایات مهاجران رسیدگی شود. با مهاجران اخراج‌شده در افغانستان مصاحبه شود و مشکلات آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. ممکن است تعداد زیادی از مهاجران بدون تسویه حسابشان اخراج

شده باشند. به آن‌ها فرصت داده شود تا مطالبات و بدهکاری‌های مالی‌شان را تسویه کنند. امید است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به موضوع اخراج مهاجران به‌منزله یک مسئله حقوق بشر رسیدگی کند و با مهاجران اخراج‌شده در شهرهای مرزی ملاقات و مصاحبه و حقایق منتشر شود [۱۵، ص ۴].

مهاجران افغان از زاویه آمار

با توجه به اشتغال غیرقانونی افغان‌ها در ایران، آمار صحیحی در این زمینه در دست نیست. حتی در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ اطلاعات موثقی در مورد مهاجران افغان وجود ندارد. افغان‌ها از بیان وضعیت شغلی خود اجتناب می‌کنند، زیرا می‌ترسند کار خود را از دست بدهند. در اسفند ۱۳۷۹، ایران با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اجرای «طرح شناسایی افغان‌های ساکن ایران» را آغاز کرد. این طرح در اردیبهشت ۱۳۸۰ به پایان رسید. براساس نتایج حاصل از اجرای این طرح، حدود ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار افغانی در ایران زندگی می‌کنند که از میان آنان حدود ۸۹۰ هزار نفر در بازار کار ایران حضور دارند، ولی برخی از دست‌اندرکاران بازار کار ایران معتقدند آمار «طرح شناسایی» دقیق نیست و با احتساب کودکان و زنان افغانی شاغل در ایران، تعداد کارگران افغانی به بیش از یک میلیون نفر بالغ می‌شود. به‌هرحال، نتایج حاصل از طرح شناسایی افغان‌های ساکن ایران تاکنون قابل اتکاترین آمار درباره جمعیت و نیروی کار افغانی در ایران بوده است. نتایج این طرح نشان می‌دهد کارگران افغانی عموماً در نقاطی از کشور سکنی می‌گزینند که تقاضا برای نیروی کار نسبتاً بالاست. آن‌ها عموماً در استان‌هایی که نرخ بی‌کاری در آن‌ها بالاست (گیلان، ایلام و کرمانشاه) زندگی نمی‌کنند، چون می‌دانند احتمال یافتن شغل در این استان‌ها پایین است.

نزدیک به ۷۰ درصد از کارگران افغانی در ۵ استان کشور سکنی گزیده‌اند. تهران بیشترین سهم از مهاجران افغانی را در خود جای داده است. حدود ۱۸ درصد از کارگران افغان در استان تهران زندگی می‌کنند. این استان ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی را برعهده دارد. بنابراین، یافتن کار در این استان هدفی عقلایی برای مهاجران روستایی و افغانی است. پس از تهران، استان‌های اصفهان، خراسان و فارس، که در مجموع ۴۰ درصد از جمعیت و ۵/۴۳ درصد از نیروی کار و ۴۲ درصد از تولید ناخالص ملی ایران را به خود اختصاص داده‌اند، درصد بالایی از مهاجران افغانی را پذیرا شده‌اند. حضور ۱۴ درصدی افغان‌ها در استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر نقاط کشور حالتی استثنایی دارد، زیرا این استان به علت واقع شدن در مرز ایران و افغانستان شمار کثیری از مهاجران افغانی را در خود جای داده است؛ درحالی‌که رونق اقتصادی چندانی ندارد و با نرخ بی‌کاری بالایی مواجه است. یافتن کار با دستمزد بالاتر انگیزه اصلی بسیاری از افغان‌ها برای مهاجرت به ایران بوده است. افغان‌های فقیر برای یافتن کار به

ایران مهاجرت کرده‌اند، ولی بازرگانان ثروتمند افغان به کشورهای چینی عربستان سعودی و امارات مهاجرت کرده و تحصیل کرده‌های متمول افغانی به اروپا رفته‌اند. مهاجران افغان کمتر از ۴ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، ولی حدود ۶ درصد از نیروی کار کشور هستند، زیرا اکثر افغانی‌ها در سنین پایین وارد بازار کار می‌شوند. به علاوه، بسیاری از مردان افغان جدا از خانواده برای یافتن کار به ایران آمده‌اند، به نحوی که در مقابل هر ۱۰۰ زن بیش از ۱۶۰ مرد افغانی وارد ایران شده است. بنابراین، نرخ مشارکت اقتصادی در میان مهاجران افغانی بالاست. بخشی از زنان و کودکان افغان نیز به همراه پدران و همسران خود در کوره‌های آجرپزی، گاوداری‌ها و مرغداری‌ها کار می‌کنند یا در خانه به قالی بافی مشغول‌اند [۱۳، ص ۳].

پاداش خروج از ایران

اما آن دسته از مهاجران افغانی که به صورت رسمی سامان‌دهی شده‌اند، زیر چتر حمایتی دولت ایران قرار دارند. آن‌ها از نظر اشتغال، تحصیل و خدمات مورد نیاز بهداشتی و درمانی و حتی امور قضایی تحت نظارت و حمایت دولت ایران بوده و از حقوق شهروندی، مانند دیگر شهروندان ایرانی، برخوردارند. با توجه به توافقات و هماهنگی‌های کمیساریای عالی امور پناهندگان و مهاجران سازمان ملل متحد با دو دولت افغانستان و ایران، قرار است زمینه‌های بازگشت اتباع افغان به کشورشان فراهم شود. در این راستا، کارت‌های مدت‌داری برای بازگشت افغان‌ها به کشورشان صادر شده است. یکسری از کارت‌ها با عنوان کارت عادی تا ابتدای شهریور امسال به افغان‌ها برای بازگشت به کشورشان مهلت داده بود. کارت دیگر، کارت ویژه طلاب و اتباع افغانی است که همسرانی اختیار کرده‌اند. به این گروه برای خروج از ایران تا اول اسفند سال جاری فرصت داده شده است.

به گفته آذرنیا، ۵۰۰ هزار مهاجر افغانی تاکنون سامان‌دهی نشده‌اند که شناسایی و بازگرداندن آن‌ها زمان و هزینه مضاعفی را می‌طلبد. وی در ادامه بر لزوم همکاری مردم و کارفرمایان با وزارت کشور تأکید کرده و در این زمینه می‌گوید: «تا زمانی که مردم همکاری لازم را با مسئولان مربوطه نداشته باشند، بازگشت افغان‌ها به کشورشان سرعت چندانی نخواهد داشت» [۱، ص ۴].

نتیجه گیری

ماده ۱۰۶۰ ق.م. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی را در مواردی هم که مانع قانونی ندارد به اجازه مخصوص از طرف دولت موکول کرده است.

ماده ۱۷ قانون ازدواج، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه

معین کند. هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق با زن ایرانی ازدواج نماید، به حبس تعزیری از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.

تبعات و پیامدهای سیاسی و امنیتی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی را شاید به دلیل مطرح شدن این موضوع در چند سال اخیر به منزله یک موضوع مطرح در جامعه و کاربردی بودن آن بتوان عنوان کرد، زیرا بسیاری از عناوین تحقیق‌ها تکرار مکررات است که بارها و بارها از سوی دیگران مطرح شده است. به امید آنکه بتوان در راستای خدمت به این قشر جامعه، که هم‌اکنون درگیر این مسئله هستند، گامی مثبت بردارد و این معضل را به گونه‌ای شایسته مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. البته اکثر ازدواج‌های که بین اتباع افغانی با ایرانیان صورت گرفته است از نوع ازدواج‌های غیرقانونی بوده و فقط به صورت شرعی است. در صورتی که باید از مراجع ذیصلاح در اداره کل اتباع خارجه نیروی انتظامی و اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور مجوز ثبت قانونی ازدواج اخذ می‌کردند که متأسفانه طبق آمار غیررسمی، حدود ۳۰ هزار از زنان ایرانی مزدوج با اتباع افغانی در حال حاضر بلا تکلیف‌اند.

ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، به‌ویژه افغان‌ها، عواقب جبران‌ناپذیری دارد. در واقع، ترک، طلاق، بی‌هویتی در جامعه، صادر نشدن مدارک شناسایی و عدم تحصیل فرزندان از عواقب ازدواج با اتباع خارجی است. بنابراین، لازم است ارگان‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مردم را از عواقب جبران‌ناپذیر این ازدواج‌ها آگاه کنند تا از بروز این مسئله و پیامدهای جبران‌ناپذیر آن جلوگیری شود. برخی از این زنان و دختران، که عمدتاً از طبقات پایین اجتماع هستند، بر اثر فریب و شیادی اتباع افغانی یا فروش از سوی پدرانشان، به ازدواج مردان افغانی درمی‌آیند. اولین مشکلی که با ازدواج هر زن ایرانی با مرد افغانی رخ می‌نماید، از دست دادن تابعیت ایرانی این بانوان است. بنا به قانون ایران، زنان ایرانی به تابعیت ایرانی خود باقی می‌مانند.

اختلاف فرهنگی و سنتی خانواده‌های ایرانی با افغان‌ها و بعضاً نپذیرفتن این گونه ازدواج‌ها از سوی عضو ایرانی، مشکلات روحی و روانی مضاعفی برای خانواده بانوی ایرانی ایجاد می‌کند. این گونه ازدواج‌ها موجب می‌شود زن ایرانی هویت و تابعیت خود را از دست بدهد و در واقع این به معنای از دست رفتن تمام پشتوانه یک زن است و همین امر سبب افزایش انواع خودکشی‌ها بین این زنان شده است. این زنان به دلیل ازدواج‌های غیرقانونی و نداشتن وضعیت شغلی نامناسب همسر و به تبع خراب بودن وضع اقتصادی‌شان همواره دچار مشکلات عدیده‌ای هستند و اگر به هر عنوان شوهر این زنان آن‌ها را ترک کند، این مشکلات با وجود حضور چندین فرزند نیز چند برابر می‌شود. انواع افسردگی‌ها، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد به مواد مخدر و الکل از نمونه این آسیب‌هاست.

این ازدواج‌ها در جایی ثبت نمی‌شود و فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها بدون شناسنامه به زندگی خود ادامه می‌دهند. بسیاری از فرزندان این افراد به دلیل نداشتن شناسنامه به مدرسه نمی‌روند و بی‌سواد بزرگ می‌شوند که در آینده هم برای خود و هم برای جامعه مشکلاتی را به وجود می‌آورند.

پس می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی عواقب جبران‌ناپذیری دارد. در واقع ترک، طلاق، بی‌هویتی در جامعه، صادرنشدن مدارک شناسایی و عدم تحصیل فرزندان از عواقب ازدواج با اتباع خارجی است. بنابراین، لازم است ارگان‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مردم را از عواقب جبران‌ناپذیر این ازدواج‌ها آگاه کنند تا از بروز این مسئله و پیامدهای جبران‌ناپذیر آن جلوگیری شود.

در حال حاضر، عواملی چون عدم امنیت کافی، کمبود و گرانی زمین زراعی، سطح پایین اشتغال، کندی روند بازسازی کشور، وضعیت نامناسب پایین‌بودن رفاه اجتماعی و خدمات شهری، فقدان خدمات بهداشتی و درمانی کافی و وضعیت نامناسب سیستم آموزشی به‌منزله بخشی از مشکلات مهمی که افغان‌ها در بازگشت به کشورشان با آن‌ها دست‌به‌گریبان خواهند بود، آن‌ها را به ماندن در ایران ترغیب می‌کند. در مقابل، وجود مزیت‌ها و جذابیت‌هایی چون دسترسی سریع به بازار کار، درآمد مناسب، امکان تحصیل، خدمات درمانی و بهداشتی گسترده، دسترسی به امکانات زیربنایی ارزان مانند آب، برق، گاز و تلفن، شبکه و خدمات شهری مناسب، گزینش مسکن، آزادی در اجرای مراسم مذهبی، امنیت اجتماعی، عدم احساس تبعیض و استفاده از یارانه‌های دولتی توزیع‌شده در محصولاتی چون آب، نان و بنزین، ترک ایران را برای افغان‌ها سخت کرده است.

راهکارهای پیشنهادی

۱. کنترل و نظارت بیشتر بر رفتار مهاجران افغانی از یک‌سو و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی قوی نسبت به وضعیت مهاجران افغانی تا از هرگونه ازدواج مسئله‌دار دختران ایرانی با پسران افغانی جلوگیری شود؛
۲. تقویت مهمان‌شهرهای افغانی به منظور کنترل بیشتر این پناهندگان و تحکیم مبانی قانونی و حقوق داخلی برای ممانعت از ازدواج بدون ضابطه و دردسرساز دختران ایرانی با مهاجران افغانی؛
۳. راهکارهای تشویقی از سوی وزارت کار برای ترغیب کارفرمایان به عدم استفاده از اتباع خارجی غیرمجاز از جمله افغان‌ها در نظر گرفته شود و کشور افغانستان با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم راه بازگشت به کشور را برای افغان‌ها فراهم کند؛
۴. خروج یک‌پارچه مهاجران افغانی از ایران با استفاده از ابزارهای بین‌المللی و مسائل تشویق و ترغیب و عزیمت آن‌ها به کشورشان بدین جهت که آنان با فرهنگ ایران زندگی کرده‌اند و فرزندان آن‌ها نیز با همین فرهنگ بزرگ شده‌اند و بهتر می‌توانند تأثیرپذیری از فرهنگ خودی را در آن‌سوی مرز داشته باشند که اصولاً می‌توان از یک نوع صادرات فرهنگی نام برد؛
۵. انجام‌دادن کارهای فرهنگی در افغانستان به همین منظور و بالابردن فرهنگ اجتماعی

زیستن و رعایت حقوق و حقوق دیگران چون تا زمانی که فقر فرهنگی در افغانستان حاکم باشد تبعات سوء آن به کشور ما سرایت خواهد کرد؛

۶. انجام دادن کار اقتصادی در افغانستان و ایجاد زمینه اشتغال در زمینه‌های مختلف چون تا زمانی که فقر گرسنگی در افغانستان حاکم باشد، پیامدهای ناامنی برای ایران وجود خواهد داشت؛

۷. اگر دختری قصد ازدواج با اتباع بیگانه را دارد، بهتر است با دفتر اتباع در استانداری‌ها مشاوره کند و هویت تبعه خارجی را جویا شود. در غیر این صورت، با این افراد به‌عنوان متخلف برخورد می‌شود.

منابع

- [۱] آذرنیا (۱۳۸۷). پاداش خروج افغان‌ها از ایران، سایت خدمت، ص ۴.
- [۲] اسلامی‌پناه، علی (۱۳۸۷). عواقب ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی، سایت اخبار عمومی بی‌بی‌سی.
- [۳] اخبار عمومی بی‌بی‌سی (۱۳۸۷). بهانه‌های اقامت افغان‌ها در ایران، ص ۴.
- [۴] اخبار عمومی بی‌بی‌سی (۱۳۸۷). پناهندگان افغان و چالش‌های برگشت به وطن، ص ۶.
- [۵] تبعات ازدواج دختران ایرانی با افغان‌ها (۱۳۸۷). سایت ایران.
- [۶] حاضر وظیفه، محمدرضا (۱۳۸۷). عواقب ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی، سایت آبان، ص ۳
- [۷] حسینی مزاری، سید عیسی (۱۳۸۸). سرنوشت نامعلوم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان، سایت اخبار عموم بی‌بی‌سی.
- [۸] حسینی مزاری، عیسی (۱۳۸۸). خروج نیروهای خارجی؛ راه بازگشت امنیت به افغانستان، سایت آبان، ص ۳.
- [۹] حسینی، احمد (۱۳۷۸). بازگشت افغان‌ها، سایت سفریک، ص ۳-۴.
- [۱۰] حکیمی، محمدهادی (۱۳۸۷). بررسی حقوقی ازدواج افغانی با ایرانی، ص ۳-۱۲.
- [۱۱] حمدالهی، امین (۱۳۸۸). سرنوشت نامعلوم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی سایت بازیاب.
- [۱۲] خباز، مریم (۱۳۸۷). ازدواج با افغانی، چرا؟! نگاهی به روند روبه‌رشد ازدواج ایرانی‌ها با افغانی‌ها، سایت افغانستان، ص ۲۱.
- [۱۳] سایت بانک اطلاعات نشریات کشور (۱۳۸۷). مهاجران افغان از زاویه آمار.
- [۱۴] شفایی (۱۳۸۶). ازدواج ایرانی‌ها با افغانی‌ها، مطبوعات کابل.
- [۱۵] کاظمی، شکرالله (۱۳۸۷). تبعات ازدواج بدون مجوز زنان ایرانی، سایت ویکی‌پدیا، دانش‌نامه آزاد.
- [۱۶] مداح، سمانه (۱۳۸۶). افغانستان، سایت ویکی‌پدیا دانش‌نامه آزاد.
- [۱۷] واعظی، حمزه (۱۳۸۷). معضل ازدواج افغان‌ها در ایران، سایت آرمان.
- [۱۸] ویکی‌پدیا، دانش‌نامه آزاد (۱۳۸۷). افغانستان.
- [۱۹] یآوری، مینو (۱۳۸۸). سرنوشت نامعلوم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی، سایت زندگی.
- [۲۰] یآوری، مینو (۱۳۸۸). سرنوشت نامعلوم ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی، سایت آبان.
- [۲۱] فارغی، شهرام (۱۳۹۰). حقوق خصوصی- حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل.